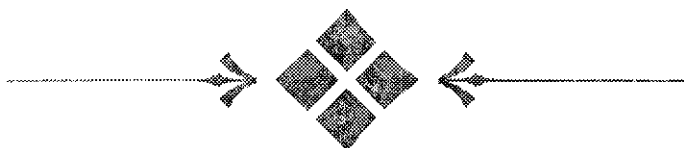


نقد و بررسی

ترجمه قرآن کریم، از آیت الله مکارم شیرازی (۱)

مرتضی کریمی نیا



اکنون دو سال از انتشار ترجمه قرآن کریم به قلم آیت الله ناصر مکارم شیرازی گذشته است و در این مدت خوانندگان، دوست داران قرآن کریم و قرآن پژوهان در سطح وسیعی با آن آشنا شده اند. گونه تفسیری این ترجمه و روانی اش علاوه بر فراوانی و عرضه مناسب، این ترجمه را در محافل قرآنی و نزد قرآن خوانان و قرآن شناسان شهره تر ساخته است. درست به همین دلیل، نقایص و اشتباهات ریز و درشت، اما فراوان این ترجمه، نگارنده را بر آن داشت تا در نوشتار کوتاه حاضر بخشی از کاستی ها و اشکالات غیر قابل چشم پوشی آن را تقدیم ناقدان و خوانندگان قرآنی کند. همین جا بیفزاییم که در بیش تر ترجمه های مفهوم به مفهوم (از نوع آزاد آن)، برخی از این اشتباهات یافت می شود لیکن افزونی اشکال در ترجمه ای به اعتراف مترجم آن، «محصول پانزده سال کار روی تفسیر قرآن مجید»^۱ است و پس از تجدید نظر و بررسی سه ساله جمعی از مترجمان و محققان قرآن کریم به چاپ رسیده است، ضرورت نقادی آن را دو چندان می کند.

اساس ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، متنی است که به قلم ایشان در هنگام تألیف «تفسیر نمونه» نوشته شده است. ترجمه فارسی قرآن که در متن «تفسیر نمونه» آمده است، هرگز به انگیزه تدوین یک ترجمه برای قرآن کریم انجام نشده است. هدف اصلی، تألیف تفسیر روان فارسی برای قرآن کریم بوده است. از این رو، در طول سال هایی که

این تفسیر نوشته شده است (۱۳۵۲ تا ۱۳۶۶ ش)، ایشان آیات قرآن را نیز به فارسی برگردانده اند. از آن جا که مترجم محترم، این کار را همراه با بازنگری مداوم بر آیه های قبل و بعد انجام نداده است، بیش تر آیه ها، جمله ها، ترکیب ها و واژه های یکسان و مترادف را به گونه های مختلف و گاه متخالف ترجمه کرده اند. صد افسوس که پس از ویرایش محققان دارالقرآن الکریم «دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی» بر ترجمه تفسیر نمونه و چاپ مستقل ترجمه استاد مکارم شیرازی، تنها اندکی از آن همه گوناگونی و تعارض کاسته شد و در عوض بسی افزوده گشت^۲. در سوره نساء آمده است که اگر قرآن کریم از سوی غیر خداوند بود، اختلاف فراوان در آن می یافتند: **ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فيه اختلافاً کثیراً** (نساء/ ۴/ ۸۲). پس در متن قرآن تهافتی نیست، اما به یقین اختلافات فراوان و ویرایشی، لغوی، صرفی، نحوی، تفسیری و جز آن در ترجمه حاضر یافت می شود. در مواردی تفاوت دو برگردان فارسی از یک جمله قرآن کریم در ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، صرفاً یک تفاوت تعبیر کم اهمیت نیست، بلکه به گونه ای است که خواننده تنها می تواند یکی از آن دو را قبول کند. سه نمونه می آوریم: الف - کلمه «اثنین» در انعام / ۶/ ۱۴۳ «دو جفت» و در انعام / ۶/ ۱۴۴ «یک جفت» ترجمه شده است که اولی غلط است. عبارت «سَرَاء و ضَرَاء» را در آل عمران / ۳/ ۱۳۴ به «توانگری و تنگدستی» برگردانده اند و در آیه اعراف / ۷/ ۹۵ گفته اند: «ناراحتی های جسمی و [ناراحتی های] مالی» که دومی نادرست است. ج - در آیه اعراف / ۷/ ۱۸۹ در ترجمه **وجعل منها زوجها** آورده اند که: همسر آدم از جنس او خلق شد و در ترجمه همین جمله در زمر / ۳۹/ ۶ آمده است که: همسر آدم از (باقیمانده گل) او خلق شد.

مترجم محترم در یادداشت پایان ترجمه خود آورده اند: «به سه گونه می توان قرآن کریم یا هر متنی را ترجمه کرد. الف - ترجمه کلمه به کلمه. در این ترجمه واژه ای را از زبان مبدأ برمی دارند و واژه معادل آن را در زبان مقصد می گذارند. این بدترین نوع ترجمه است که گاه حتی به خیانت می انجامد نه امانت. ب - ترجمه آزاد. در این جا مترجم خود را مقید به انتقال دقیق محتوای متن نمی داند، هر چند روح متن مورد نظر در مجموع ترجمه محفوظ است. ج - ترجمه محتوا به محتوا به طور دقیق است که در این نوع ترجمه، نخست معانی دقیقاً از لباس زبان اول برهنه می شود و در مغز جای می گیرد و سپس به طور دقیق به لباس زبان دوم آراسته می گردد»^۳.

آن گاه مترجم محترم تأکید کرده است که ترجمه وی از نوع سوم است. البته نثر آن

نه در قالب زبان ادبی امروز است و نه در شکل ادبیات کهن، بلکه به زبان روزمره توده مردم است. در انتهای یاد داشت مترجم آمده است: «هدف این بوده است که ترجمه ای روان، گویا و در عین حال دقیق و محکم برای همگان مخصوصاً نسل جوان تحصیل کرده امروز فراهم شود، که حتی بدون مراجعه به تفسیر قابل درک و فهم باشد... و نیز هدف این بود که پایه ای باشد برای ترجمه های دقیقتر قرآن به زبان های دیگر جهان»^۲.

مقاله حاضر تا اندازه ای روشن می سازد که در ترجمه آیت الله مکارم شیرازی دقت بسیار کمی در مطابقت با نص قرآن به کار رفته است و اساساً گرایش به ترجمه مفهوم به مفهوم در شکل ناپخته و دلخواه، معنای ظاهری و روشن بسیاری از آیات قرآن را نادرست جلوه داده است. بر خلاف مقصود مترجم، خواننده این ترجمه بدون مراجعه به تفسیر، نه تنها قرآن را نمی فهمد بلکه تناقضاتی در آن می یابد و در صورت ترجمه این متن فارسی به دیگر زبان های جهان، همه این اشکالات و «اختلافات کثیر» مضاعف خواهد شد.

این نوشتار چند بخش زیر را دربر دارد:

الف- برخی موارد ترجمه نشده

ب- اشکالات نحوی و ساختاری

ج- تفاوت و تضاد در تفسیر و توضیح

د- اشکالات لغوی و صرفی

ه- تفاوت یا تضاد در ترجمه عبارت ها، ترکیب ها و آیه های مشابه

و- بررسی برخی آیه ها که آزاد و غیرمطابق ترجمه شده

ز- تقدیرهای دلخواه و متغایر

ح- بررسی نگارش فارسی جملات و ویرایش ظاهری ترجمه

یادآوری این نکته نیز لازم است که این نوشتار کوتاه، بیان کننده تمام اشکالات ترجمه

یاد شده نیست.

الف - برخی موارد ترجمه نشده

۱. در جمله لهم فیها ازواج مطهّرة (بقره/۲/۲۵) «فیها» ترجمه نشده است. در

نساء/۴/۵۷ نیز ترجمه نشده است.

۲. در جمله نبذہ فریق منهم (بقره/۲/۱۰۰) «منهم» ترجمه نشده است. در بقره

۷۵/۲/ ترجمه شده است.

۳. در جمله ما اوتی النبیین من ربهم (بقره/۲/۱۳۶) ضمیر «هم» ترجمه نشده است. در آل عمران/۳/۸۴ ترجمه شده است.
۴. در عبارت بغیاً بینهم (بقره/۲/۲۱۳) و (شوری/۴۲/۱۴) «بینهم» ترجمه نشده است. در آل عمران/۳/۱۹ و جاثیه/۴۵/۱۷ ترجمه شده است.
- کلمه «بغیاً» در این چهار آیه به این چهار صورت ترجمه شده است: انحراف از حق و ستمگری؛ ظلم و ستم؛ انحراف از حق (و عداوت و حسد)؛ ستم و برتری جویی.
۵. در آیه بقره/۲/۲۶۵ جمله فان لم یصبها و ابل فطلّ ترجمه نشده است.
۶. در جمله وان تصدّقوا خیر لکم (بقره/۲/۲۸۰) «لکم» ترجمه نشده است. در جمله وان تصوموا خیر لکم (بقره/۲/۱۸۴) ترجمه شده است.
۷. در عبارت ما فی السموات وما فی الأرض (بقره/۲/۲۸۴؛ آل عمران/۳/۲۹ و نساء/۴/۱۳۲ و ۱۷۱؛ لقمان/۳۱/۲۰) «ما فی» دوم ترجمه نشده است. اما در آل عمران/۳/۱۰۹ و نساء/۴/۱۳۱ ترجمه شده است.
۸. در جمله یتوب علیکم سنن الذین من قبلکم و یتوب علیکم (نساء/۴/۲۶) عبارت «و یتوب علیکم» ترجمه نشده است.
۹. در جمله لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل (نساء/۴/۲۹) «بینکم» ترجمه نشده است، اما در بقره/۲/۱۸۸ ترجمه شده است.
۱۰. در جمله والقوا لیکم السلم (نساء/۴/۹۰) «الیکم» ترجمه نشده است.
۱۱. در جمله فتهاجروا فیها (نساء/۴/۹۷) «فیها» ترجمه نشده است.
۱۲. در جمله لامرئهم فلیغیرن اذان الانعام (نساء/۴/۱۱۹) «لامرئهم» به قرینه ماقبل حذف شده و ترجمه نشده است.
۱۳. در جمله یحلفون بالله (نساء/۴/۶۲) «بالله» ترجمه نشده است. اما در توبه/۹/۴۲، ۵۶، ۶۲، ۷۴، ۹۵، ۹۶ ترجمه شده است.
۱۴. در جمله اقسما بالله جهد ایمانهم (مائده/۵/۵۳؛ نحل/۱۶/۳۸) «بالله» ترجمه نشده است. اما در انعام/۶/۱۰۹ و نور/۲۴/۵۳ ترجمه شده است.
۱۵. در جمله الحمد لله رب العالمین (یونس/۱۰/۱۰) «الله» ترجمه نشده است. در حمد/۱/۲ ترجمه شده است.
۱۶. «ارایتهم» در یونس/۱۰/۵۰ و هود/۱۱/۶۳ ترجمه نشده است. اما در یونس/۱۰/۴۶ ترجمه شده است.

۱۷. در جمله **وجعلنا علی قلوبهم** (نحل/۱۶/۴۶) «جعلنا» ترجمه نشده است. به قرینه آیه قبل حذف شده است.
۱۸. در جمله **ولم اکن بدعائک ربّ شقیّاً** (مریم/۱۹/۴) «ربّ» ترجمه نشده است.
۱۹. جمله **ان کنا فاعلین** در انبیاء/۲۱/۱۷ ترجمه نشده است.
۲۰. در جمله **وهم لها سابقون** (مؤمنون/۲۳/۶۱) «لها» ترجمه نشده است.
۲۱. جمله **ویضرب الله الامثال للناس** در نور/۲۴/۳۵ ترجمه نشده است.
۲۲. در جمله **الملك یومئذ الحقّ للرحمن** (فرقان/۲۵/۲۶) «الحقّ» [= صفت الملك] ترجمه نشده است.
۲۳. در جمله **اذ قال لهم اخوهم صالح** (شعراء/۲۶/۱۴۲) «اخوهم» ترجمه نشده است. در آیات ۱۲۴ و ۱۶۱ همین سوره ترجمه شده است.
۲۴. در عبارت **ان یكون لهم الخیرة من امرهم** (احزاب/۲۳/۳۶) «من امرهم» ترجمه نشده است.
۲۵. در عبارت **ثمّ طلقتموهنّ من قبل ان تمسوهنّ** (احزاب/۳۳/۴۹) هر دو ضمیر «هنّ» ترجمه نشده است.

ب - اشکالات نحوی و ساختاری

۲۶. **ویمدّمهم فی طغیانهم یعمهون** (بقره/۲/۱۵) «و آنها را در طغیانشان نکه می دارد، تا سرگردان شوند». **یعمهون** حال است برای «هم»، اما به صورت سببی ترجمه شده است. کلمه «یعمهون» در آیات اعراف/۷/۱۸۶، یونس/۱/۱۱؛ انعام/۶/۱۱۰ و کلمه «تبتغون» در آیه نساء/۴/۹۴ به همین شکل نادرست ترجمه شده است. مترجم در برخی آیات، جمله حالیه را به گونه خبری برگردانده اند. مثلاً در ترجمه آیه **تولیتکم الاّ قليلاً منکم وانتم معرضون** (بقره/۲/۸۲) آورده اند: «سپس (با اینکه پیمان بسته بودید) همه شما - جز عده کمی - سرپیچی کردید؛ و (از وفای به پیمان خود) روی گردان شدید». همین جمله «وانتم معرضون» که به صورت خبری و جدای از ماقبل ترجمه شده است، در آیه **آل عمران/۳/۲۳** ترجمه درستی یافته است. همچنین جمله حالیه «وانتم تشهدون» در آیه **بقره/۲/۸۴** نادرست برگردانده شده حال آن که در **آل عمران/۳/۷۰** ترجمه درستی یافته است.
۲۷. **انّ هدی اللّهُ هو الهدی** (بقره/۲/۱۲۰) «هدایت، تنها هدایت الهی است». این ترجمه نادرست است و صحیح آن چنین است: تنها هدایت الهی، هدایت است. مترجم

محترم همین آیه را (برخلاف اینجا) در انعام/۶/۷۱ درست ترجمه کرده اند: «تنها هدایت خداوند، هدایت است». آن چه مترجم در ترجمه آیه ۱۲۰ بقره آورده اند، سخن نادرستی نیست لیکن برای آن آیه، ترجمه مناسبی نیست. این ترجمه ایشان برای آیه آل عمران/۳/۷۳ مناسب است که چنین است: «انَّ الهدی هدی الله».

۲۸. رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ (بقره/۲/۱۲۹) «پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند». همان اشکالی که در شماره ۲۶ ذکر کردیم، در این جا هم هست. با این تفاوت که در این جا جمله وصفی به صورت سببی و نتیجه ای ترجمه شده است. «یتلوا علیهم» صفت «رسول» است نه نتیجه و جواب «ابعث». همین اشتباه در آیه مشابه آل عمران/۳/۱۶۴ تکرار شده اما در آیه جمعه ۲/۶۲/ به این شکل رفع شده است: رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ «رسولی از خودشان که آیاتش را بر آنها می خواند».

ترجمه جملات وصفی به گونه سببی، بسیار مورد ابتلاء مترجمان قرآن کریم است. مثلاً مترجم گرامی آیه سَاوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصَمُنِي مِنَ الْمَاءِ (هود/۱۱/۴۳) را چنین ترجمه کرده اند: «بزودی به کوهی پناه می برم تا مرا از آب حفظ کند». درست این است که بگوییم: «به کوهی پناه می برم که مرا از آب حفظ می کند» یا آیه مشهور خذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا (توبه/۹/۱۰۳) را نیز نادرست ترجمه کرده اند: «از اموال آنها صدقه ای به عنوان زکات) بگیر تا بوسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی». «تُطَهِّرُهُمْ» صفت «صدقه» است اما مترجم آن را جواب فعل امرِ «خُذْ» گرفته اند. در واقع ایشان آیه قرآن را به «تُطَهِّرُهُمْ» برگردانده اند. ترجمه صحیح چنین است: «از اموال شان صدقه [= کفاره] ای که ایشان را با آن پاک می سازی، بگیر».

۲۹. لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا (بقره/۲/۱۴۳) «تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است». «یکون» عطف است بر «تکونوا» و هر دو منصوب اند، اما در ترجمه استاد مکارم شیرازی، «یکون» (به رفع) خوانده شده است. ترجمه صحیح چنین است: «...و پیامبر هم بر شما گواه باشد». مترجم محترم آیه مشابه حج/۲۲/۷۸ را از این نظر درست ترجمه کرده اند.

۳۰. الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ (بقره/۲/۱۴۷) «این (فرمان تغییر قبله) حکم حقی از طرف پروردگار توست». «الحق» مبتداست. اما در ترجمه، خبر شده است و یک مبتدای محذوف به آن افزوده اند. و چنین جمله ای را ترجمه کرده اند: هذا حق من ربك. این اشتباه عیناً در

آیه آل عمران/ ۳/ ۶۰ تکرار شده است: «اینها حقیقتی است از جانب پروردگار تو». ترجمه درست در هر دو مورد چنین است: «حق از آن پروردگار توست».

۳۱. قل اللهم مالك الملك (آل عمران/ ۳/ ۲۶) «بگو: بارالها! مالک حکومتها تویی». «مالک» به صورت مرفوع خوانده شده و خبر برای یک مبتدای محذوف تلقی شده است. مالک الملك منادای مضاف است یا بدل است برای اللهم و ترجمه صحیح آیه چنین است: «بگو: خداوند، ای صاحب حکمرانی». عبارت مشابهی در آیه زمر/ ۲۹/ ۴۶ آمده است که مترجم محترم آن را درست ترجمه کردند: قل اللهم فاطر السموات والارض «بگو: خداوند ای آفریننده آسمانها و زمین».

۳۲. وان كانوا من قبل لفی ضلال مبين (آل عمران/ ۳/ ۱۶۴) «هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند». در این آیه، «ان» اساساً «ان» است و به آن «ان مخففه از ثقیله» می گویند. اما مترجم محترم، آن را به شکل وصلیه (شرطیه) ترجمه کرده اند. همین اشکال در آیه جمعه/ ۶۲/ ۲ نیز هست. ترجمه درست این است که بگوییم: «بی شک پیش از آن...». نادرستی ترجمه «ان مخففه از ثقیله» در آیه فکفی باللّه شهیداً بیننا و بینکم ان کنّا عن عبادتکم لغافلین (یونس/ ۱۰/ ۲۹) کاملاً روشن است. ترجمه آیت الله مکارم شیرازی چنین است: «همین بس که خدا میان ما و شما گواه باشد، اگر ما از عبادت شما غافل بودیم» این بار، «ان» را وصلیه [=اگرچه] هم ترجمه نکرده اند بلکه آن را کاملاً شرطیه گرفته اند. روشن است که با این ترجمه، معنا و مفهوم آیه، کاملاً بر عکس بیان شده است. ترجمه درست این است: «...به یقین از پرستش شما بی خبر بودیم».

۳۳. الذین قالوا لاخوانهم وقعدوا لو اطاعونا ما قتلوا (آل عمران/ ۳/ ۱۶۸) «منافقان) آنها هستند که به برادران خود - در حالی که از حمایت آنها دست کشیده بودند - گفتند: اگر آنها از ما پیروی می کردند، کشته نمی شدند». اشکال بزرگی در ترجمه «لاخوانهم» است. به تعبیر نحوی، لام در این جا لام تبلیغ نیست بلکه لام مجاوزه (به معنای عن) است. یعنی منافقان خطاب به دوستان و برادران کشته شده خود چنین سخنی نگفته اند، بلکه درباره آن ها گفته اند: «اگر آنان از ما پیروی می کردند، کشته نمی شدند».

لام مجاوزه (به معنای «درباره»، «در حق» و مانند آن) در آیه های دیگر قرآن نیز آمده است. ترجمه استاد مکارم شیرازی در آیات احقاف/ ۴۶/ ۱۱؛ نساء/ ۴/ ۵۱؛ اعراف/ ۷/ ۲۸ که لام مجاوزه در آنها به کار رفته است، درست است. اما در دو آیه دیگر لام مجاوزه اصلاً ترجمه نشده و حذف شده است: در آیه ولا اقول للذین تزدري اعينكم لن يؤتيمهم الله خيراً

(هود/ ۱۱/ ۳۱) لام در «لَلَّذِينَ» ترجمه نشده است. و در آیه و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ ان هذا إلا سحر مبين (سبأ/ ۳۴/ ۴۳) لام در «لِلْحَقِّ» حذف شده است.

۳۴. يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا الذين اتخذوا دينكم هزواً ولعباً من الذين اتوا الكتاب من قبلكم والكفار اولياء (مائده/ ۵/ ۵۷) «ای کسانی که ایمان آورده اید! افرادی که آیین شما را به باد مسخره و بازی می گیرند - از اهل کتاب و مشرکان - ولی خود انتخاب نکنید!». در این ترجمه، «الكفار» عطف بر «الَّذِينَ اتُوا الْكِتَابَ» شده است، در حالی که «الكفار» منصوب است و «الَّذِينَ اتُوا الْكِتَابَ» مجرور. «الكفار» باید بر «الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ...» عطف شود که مفعول اول «لاتتخذوا» است و مفعول دوم آن «اولياء» است. ترجمه صحیح چنین است: «... (آن) اهل کتاب که آیین شما را به مسخره و بازی گرفته اند و (نیز) مشرکان را به دوستی برنگیرید».

اشتباه در عطف، در ترجمه آیه های دیگر هم رخ داده است. در عبارت وَجَنَاتٍ مِنْ اَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَانِ (انعام/ ۶/ ۹۹) الزَّيْتُونَ وَالرَّمَانِ منصوب اند و عطف بر «جَنَاتٍ» هستند. اما مترجم آن را بر «اعناب» عطف کرده اند. نیز در آیه رعد/ ۱۲/ ۳.

یک مورد دیگر، در عطف فعل ها بر یکدیگر است: قَالَ رَبِّ اِنِّي اَخَافُ اَنْ يَكْذِبُونَ وَيَضِيقُ صَدْرِي (شعراء/ ۲۶/ ۱۳-۱۲) ترجمه آیت الله مکارم شیرازی چنین است: (موسی) عرض کرد: «پروردگارا! از آن بیم دارم که مرا تکذیب کنند، و سینه ام تنگ شود» در این جا، مترجم فعل یضيق (مرفوع) را بر «يَكْذِبُونَ» (منصوب) عطف کرده اند. در سخنان حضرت موسی (علیه السلام) نیامده است که من بیم دارم که سینه ام تنگ شود. بلکه گفته شده است که سینه ام تنگ است. یعنی «يَضِيقُ صَدْرِي» و ما بعد آن عطف بر «اَخَافُ» هستند.

۳۵. نرفع درجات من نشاء (انعام/ ۶/ ۸۳) «درجات هرکس را بخواهیم (و شایسته بدانیم)، بالا می بریم». مترجم در ترجمه این آیه، «درجات» را بدون تنوین در نظر گرفته است یعنی «درجات» را به «من نشاء» اضافه کرده است حال آنکه «درجات» تنوین دارد و نمی تواند مضاف باشد. همین اشتباه در ترجمه آیه مشابه (یوسف/ ۱۲/ ۷۶) نیز آمده است. ترجمه آقای مجتبوی در هر دو آیه درست و از آقای فولادوند در هر دو آیه نادرست است. ترجمه صحیح چنین می شود «هرکه را خواهیم، درجاتی بالا می بریم».

۳۶. وان اقم وجهك للدين حنيفاً (يونس/ ۱۰/ ۱۰۵) «و (به من دستور داده شده که): روی خود را به آیینی متوجه ساز که از هر گونه شرک، خالی است». در این ترجمه، «حنيفاً»، صفت (یا حال و قید) برای «الدين» گرفته شده است و این نادرست است. «حنيفاً»

حال است برای فاعل «أَقِمُّ» (یعنی ضمیرِ أَنْتَ). این آیه در یک جای دیگر هم تکرار شده است: فاقم وجهک للذین حنیفاً (روم/ ۳۰/ ۳۰) و ترجمه آیت الله مکارم چنین است: «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن». این آیه را به گونه ای دیگر برگردانده اند، اما همان اشتباه هنوز رفع نشده است. در اینجا نیز «حَنِيفاً» صفت «الذین» نیست. منظور قرآن پذیرش «دینِ حنیف» نیست، بلکه مراد رویکرد به دین با حالت حق گرای است. اگر «حنیف» صفت «الذین» بود آیه قرآن چنین بود: فاقم وجهک للذین الحنیف، چنان که در آیه ای آمده است: فاقم وجهک للذین القیم (روم/ ۳۰/ ۴۳).

کلمه «حنیفاً» در جمله ملة ابراهیم حنیفاً (بقره/ ۱۲۵/ ۲) نیز نمی تواند حال برای «ملة» باشد، زیرا باید چنین می بود: ملة ابراهیم حنیفة. مترجم محترم این عبارت را در آیه های قرآن یکسان ترجمه نکرده اند. گاه «حنیفاً» را قید «ابراهیم» دانسته اند مانند آیه آل عمران/ ۳/ ۹۵: فاتبعوا ملة ابراهیم حنیفاً «بنابراین از آیین ابراهیم پیروی کنید که به حق گرایش داشت». و گاه «حنیفاً» را قید «ملة» قرار داده اند مانند آیه نساء/ ۴/ ۱۲۵: واتبع ملة ابراهیم حنیفاً «و پیرو آیین خالص و پاک ابراهیم گردد».

در پایان برای تأکید بیشتر، آیاتی را یادآور می شویم که در آن ها «حنیفاً» و «حُنْفَاءً» به روشنی به اشخاص نسبت داده شده است نه دین و ملة: (آل عمران/ ۳/ ۶۷: انعام/ ۶/ ۷۹: نحل/ ۱۶/ ۱۲۰: حج/ ۲۲/ ۳۱-۳۰: بینه/ ۹۸/ ۵).

۳۷. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (طه/ ۸/ ۲۰) «او خداوندی است که معبودی جز او نیست» این ترجمه درست نیست زیرا «اللَّهُ» مبتدا است و بقیه جمله خبر آن. برای ترجمه صحیح باید بگوییم: «خداوند، هیچ معبودی جز او نیست» یا «هیچ معبودی جز خداوند نیست».

کلمه «اللَّهُ» نیز در اینجا و آیه های دیگر، درست ترجمه نشده است. اللَّهُ عَلَم است و در فرهنگ قرآنی بر یک ذات اطلاق می شود. اللَّهُ، کلی نیست که یکی از افرادش خداوند واحد باشد؛ نکره هم نیست تا در ترجمه آن بگوییم: «خداوندی که». کلمه های «اللَّهُ» و «الرَّحْمَنُ» همه جای قرآن حتی در اعتقاد مشرکان، بر خداوند خالق واحد اطلاق می شود. وَلَسُنَّ سَأَلْتَهُمْ مِنْ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ (لقمان/ ۲۵/ ۳۱) ^۵. پس در ترجمه اللَّهُ باید بگوییم: «خداوند» و بس. مترجم محترم گاه الحمد لله رَبِّ الْعَالَمِينَ (حمد/ ۱/ ۲) را چنین ترجمه کرده اند: «ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است» که نادرست است. ترجمه صحیح را در آیه انعام/ ۶/ ۴۵ آورده اند: «ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است».

دو اشکالی که در ترجمه آیه طه / ۲۰ / ۸ یادآور شدیم، در برگردان آیه نمل / ۲۷ / ۲۵-۲۶ به گونه بارزتری تکرار شده است: **الْأَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ** «چرا برای خداوندی سجده نمی کنند که آنچه را در آسمانها و زمین پنهان است خارج (و آشکار) می سازد، و آنچه را پنهان می دارید یا آشکار می کنید می داند؟! خداوندی که معبودی جز او نیست». دو اشکال مهم دارد: نخست آن که «اللَّهُ» را در دو مورد به گونه تکره و غیرعالم ترجمه کرده اند. دیگر این که جمله «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» را مستقل ترجمه نکرده اند بلکه آن را صفت و یا بدل برای «اللَّهُ الَّذِي» قرار داده اند و این نادرست است، زیرا «اللَّهُ الَّذِي» مجرور و «اللَّهُ» مرفوع است. همین دو اشکال درباره ترجمه کلمه «الرَّحْمَنُ» در آیه الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (طه / ۲۰ / ۵) قابل ذکر است.

۲۸. به تناسب شماره قبل در این جا، آیاتی را می آوریم که مترجم گرامی در برگردان آن ها، یک صفت را به صورت خبر ترجمه کرده است. الف - **أَنَا لَفِي شَكٍّ مِمَّا يَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ** (هود / ۱۱ / ۶۲) «ما، در مورد آنچه به سوی آن دعوتمان می کنی در شک و تردید هستیم». «مُرِيبٌ» صفت «شَكٍّ» است، اما مترجم آن را به صورت خبر دوم «إِنَّ» ترجمه کرده اند یا شاید بهتر است بگوییم اصلاً ترجمه نکرده اند. این اشکال بر ترجمه آیات ابراهیم / ۱۴ / ۹؛ سبأ / ۳۴ / ۵۴ نیز وارد است اما ترجمه آیه های مشابه (هود / ۱۱ / ۱۱۰؛ فصلت / ۴۱ / ۴۵؛ شوری / ۴۲ / ۱۴) این اشکال را ندارد. همین جا یادآور می شویم که مترجم محترم، «شَكٍّ مُرِيبٌ» را به گونه های متفاوت ترجمه کرده اند: شک و تردید؛ شک همراه بآبد بینی؛ شک همراه بدگمانی؛ شک تهمت انگیز.

ب- **وَأِنَّهَا لِبِسْبِيلٍ مُّقِيمٍ** (حجر / ۱۵ / ۷۶) «و ویرانه های سرزمین آنها، بر سر راه (کاروانها)، همواره ثابت و برقرار است». در این آیه، «مُقِيمٍ» (مجرور) صفت «سبیل» است، اما مترجم آن را مقیم (مرفوع) و خبر «إِنَّ» در نظر گرفته اند.

ج- **وَأَنْتَهُمَا لِبِأَمَامٍ مُّبِينٍ** (حجر / ۱۵ / ۷۹) «و (شهرهای ویران شده) این دو بر سر راه (شما در سفرهای شام)، آشکار است. در این آیه تیز «مُبِينٍ» صفت «إِمَامٍ» است، نه خبر «إِنَّ». ترجمه صحیح چنین است: «و این دو [شهر ویران] بر سر راهی آشکار قرار دارند». در آیه های (بقره / ۲ / ۲۷ و ۴۶؛ نساء / ۴ / ۳۷ و ۳۸؛ نحل / ۱۱ / ۴۲ و ...) کلمه «الَّذِينَ» در ابتدای آیه، صفت یا بدل است برای اسمی در آیه قبل؛ اما مترجم محترم آن را خبر برای مبتدای محذوف گرفته اند. در آیه هایی دیگر که همین ساختار را دارند، «الَّذِينَ» درست ترجمه شده است، مانند نساء / ۴ / ۱۳۹؛ حج / ۲۲ / ۴۰؛ زخرف / ۴۳ / ۶۹ و جز آن.

۳۹. «إِذَا مَتْنَا وَكُنَّا تَرَابًا وَعِظَامًا أَيْنَا لِمَبْعُوثُونَ أَوْ أَبَاؤُنَا الْأَوْلُونَ» (صافات/ ۳۷/ ۱۶- ۱۷) «آیا هنگامی که ما مُردیم و به خاک و استخوان مبدل شدیم، بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟ یا پدران نخستین ما (باز می گردند)؟!». «أَوْ» کلمه ای است مرکب از همزه استفهام و واو عاطف. در ترجمه آن باید بیاوریم: «وآیا». اما مترجم گفته اند: «یا». یعنی ایشان این کلمه را «أَوْ» در نظر گرفته اند که یک کلمه بسیط و غیر مرکب است. همین اشتباه در ترجمه آیه مشابه (واقعه/ ۵۶/ ۴۸- ۴۷) آمده است.

۴۰. «انْفَكَا آلِهَةٌ دُونَ اللَّهِ تَرِيدُونَ» (صافات/ ۳۷/ ۸۶) «آیا غیر از خدا به سراغ این معبودان دروغین می روید؟!» «انْفَكَا» مفعول له است و جهت فعل را بیان می کند. مترجم محترم آنرا صفت «آلهة» ترجمه کرده اند ترجمه صحیح چنین است: «آیا به دروغ و دغل، معبودهایی را به جای خداوند می طلبید».

۴۱. «قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ» (ص/ ۳۸/ ۸۴) «فرمود: به حق سوگند، و حق می گویم». فَالْحَقُّ اصلاً معنای قَسَمَ نمی دهد. اساساً «فاء» از حروف قَسَمَ نیست. آن «واو» است که معنای قسم را می رساند. به علاوه «واو» و «لام» قَسَمَ، کلمه بعد از خود را مجرور می کنند اما «فالحق» مرفوع است. ترجمه مناسب آیه چنین است: «فرمود: [این] حق است و حق را می گویم».

۴۲. در این شماره مواردی را یادآور می شویم که در ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، ضمیری به صورت اسم ظاهر بیان شده و یا یک اسم ظاهر در شکل ضمیر آورده شده: یکی دو مثال از مورد دوم چنین است: الف - «أَنَّ الَّذِينَ اِخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ» (بقره/ ۲/ ۱۷۶) «آنها که در آن اختلاف می کنند». ب - «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَاولئك هم الظالمون» (بقره/ ۲/ ۲۲۹) «وهرکس از آن تجاوز کند...» همین جمله در طلاق/ ۶۵/ ۱ درست ترجمه شده است. ج - «فَمَنْ يَنْصُرْنِي مِنَ اللَّهِ اَنْ عَصَيْتَهُ» (هود/ ۱۱/ ۶۳) «اگر من نافرمانی او کنم چه کسی می تواند مرا در برابر وی یاری دهد؟!». مثال های مورد اول (یعنی ظاهر کردن ضمیر) بسیاریند، از جمله آیات بقره/ ۲/ ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۱۴۲، ۲۴۶؛ آل عمران/ ۳/ ۵۷؛ نحل/ ۲۱/ ۱۱؛ فرقان/ ۲۵/ ۲؛ قصص/ ۲۸/ ۶۴ و جز آن. اما برای نمونه مواردی را ذکر می کنیم که علاوه بر آن که ضمیری، ظاهر شده است، مرجع آن را نادرست نشان داده اند: الف - «أَنَّهَا بَقْرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقَعَ لَوْنُهَا تَسْرًا النَّاطِرِينَ» (بقره/ ۲/ ۶۸) «گاوی باشد زرد یکدست، که رنگ آن، بینندگان را شاد و مسرور سازد». ضمیر «هی» مونث در «تَسْرًا» به «بقره» برمی گردد اما مترجم آن را به «لَوْنُ» که مذکر است برگردانده اند. در آیه آمده است

که خود گاو بینندگان را خوش می‌آید نه رنگ آن. ب - اولئک لهم جنّات عدن تجری من تحتهم الأنهار (کهف/ ۱۸/ ۳۱) «آنها کسانی هستند که بهشت جاودان برای آنان است؛ باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختان و قصرهایش جاری است». ضمیر «هم» در «تَحْتِهِمْ» جمع مذکر است و به «اولئک» برمی‌گردد اما مترجم مرجعی از نزد خود آورده‌اند که اصلاً در آیه نیست. این اشکال در ترجمه آیه‌های اعراف/ ۷/ ۴۳؛ یونس/ ۱۰/ ۹ نیز هست. ج - فحقّ عقاب (ص/ ۳۸/ ۱۴) «عذاب الهی درباره‌ی آنان تحقق یافت». «عِقَاب» یعنی «عقاب من» اما مترجم «عقَابُ اللّٰه» را ترجمه کرده‌اند. همین اشکال در ترجمه «عذاب» (ص/ ۳۸/ ۸) به «عذاب الهی» نیز هست. ترجمه آیه فحقّ وعید (ق/ ۵۰/ ۱۴) نیز اشکال دارد: «وعدۀ عذاب در بارۀ آنان تحقق یافت». وعدۀ عذاب نادرست است. باید بگوییم: «وعدۀ من» یا «تهدید من».

۴۳. در این شماره آیاتی را می‌آوریم که مترجم محترم در ترجمه آن‌ها الفاظ و ضمائر مفرد را به جمع و یا بالعکس تبدیل کرده‌اند: الف - نِعْمَتِي را در آیه‌های (بقره/ ۲/ ۴۷) ترجمه کرده‌اند: «نعمتهایی». همین کلمه را در بقره/ ۲/ ۱۲۲ درست ترجمه کرده‌اند: «نعمت مرا». ب - فامتّعته ثم اضطرّه (بقره/ ۲/ ۱۲۶) «بهره کمی خواهیم داد؛ سپس آن‌ها را به عذاب آتش می‌کشانیم». هر دو فعل، متکلم وحده هستند؛ اما به صورت جمع ترجمه کرده‌اند ج - المفسد والمُصلح در آیه بقره/ ۲/ ۲۲۰ به مفسدان و مصلحان ترجمه شده است. د - افعال و ضمائر مفرد در آیات (بقره/ ۲/ ۲۰۶-۲۰۴) به صورت جمع ترجمه شده‌اند. ه - «کتاب» در آیه نساء/ ۴/ ۱۳۶ جمع معنا شده است: «کُتِبَ». و - نغفر لکم خطایاکم (اعراف/ ۷/ ۱۶۱) «گناهان شما را می‌بخشم». «نُغْفِرُ» جمع است و مفرد ترجمه شده است. ز - ان کنتم صادقین (یونس/ ۱۰/ ۴۸) «اگر راست می‌گویید». «کُنْتُمْ» جمع است و مفرد ترجمه شده است. ح - ضمائر و فعل‌های مفرد در آیه کهف/ ۱۸/ ۲۸ جمع ترجمه شده است. ط - آیاتی را در آیه کهف/ ۱۸/ ۵۶ ترجمه کرده‌اند: «آیات ما» که صحیح آن «آیات من» است.

ج - تفاوت و تضاد در تفسیر و توضیح

۴۴. «صابئین» به چه کسانی گفته می‌شود؟ مترجم در ترجمه این واژه در آیه مائده/ ۵/ ۶۹ تنها آورده‌اند: «صابئان». در آیه بقره/ ۲/ ۶۲ گفته‌اند: صابئان [= پیروان یحیی] و در ترجمه (حج/ ۲۲/ ۱۷) چنین توضیح داده‌اند: صابئان [= ستاره پرستان].
۴۵. کلمه «الأسباط» در چهار آیه قرآن کریم پس از ذکر نام چهار تن از پیامبران آمده

است: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و الاسباط. ترجمه و توضیح آیت الله مکارم شیرازی در این موارد مختلف است. در ترجمه آیه های بقره/۲/۱۴۰ و آل عمران/۳/۸۴ تنها آورده اند: «اسباط». خواننده تصور می کند که اسباط هم مانند چهار کلمه قبل، نام پیامبری است. در ترجمه آیه بقره/۲/۱۳۶ گفته اند: «پیامبران از فرزندان یعقوب». تصور خواننده این می شود که اسباط به گروهی از پیامبران می گویند که از نسل حضرت یعقوب علیه السلام هستند. و در آخر در ترجمه آیه نساء/۴/۱۶۳ آمده است: «اسباط [= بنی اسرائیل]». در این جا خواننده این گونه می فهمد که «اسباط» برهه بنی اسرائیل [= فرزندان یعقوب علیه السلام] اطلاق می شود و اصلاً لازم نیست پیامبر باشند.

۴۶. کلمه «زُبُر» در سه آیه قرآن همراه با «بِیِّنَات» به کار رفته است: بِالْبِیِّنَاتِ وَالزُّبُرِ. توضیح و ترجمه های متفاوت استاد مکارم شیرازی از واژه «زُبُر» چنین است: نوشته های متین و محکم (آل عمران/۳/۱۸۴)؛ کتب (پیامبران پیشین) (نحل/۱۶/۴۴)؛ کتابهای پند و موعظه (فاطر/۳۵/۲۵).

۴۷. مترجم گرامی در ترجمه آیه خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ (ثم) وَجَعَلَ مِنْهَا زُجُجًا بِه دوگونه متضاد عمل کرده اند. در ترجمه آیه های اعراف/۷/۱۸۹؛ نساء/۴/۱ گفته اند: «همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد» و در جای دیگر آورده اند: «او شما را از یک نفس آفرید، و همسرش را از (باقیمانده گل) او خلق کرد» (زمر/۳۹/۶).

۴۸. هُوَالَّذِي ارْسَل رَسُوْلَهٗ بِالْهَدٰی وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهٗ عَلٰی الدِّيْنِ كُلِّهٗ. این آیه در سه جای قرآن کریم آمده است. مترجم محترم جمله «لِيُظْهِرَهٗ عَلٰی الدِّيْنِ كُلِّهٗ» را به دو گونه ترجمه کرده اند: یعنی در ترجمه توبه/۹/۳۳؛ فتح/۴۸/۲۸ ضمیر «ه» در «یظهره» را به «دین الحق» برگردانده اند و در صف/۶۱/۹ همین ضمیر را به «رسوله» برگردانده اند.

۴۹. در چند آیه از قرآن کریم، درباره برخی از پیامبران چنین جمله ای آمده است: اَتَيْنَاهُمْ حِكْمًا وَعِلْمًا. این پیامبران عبارتند از حضرت لوط، حضرت سلیمان، حضرت داوود، حضرت موسی، حضرت یوسف و حضرت یحیی. تفسیر مترجم محترم از کلمه «حُكْم» مختلف و ناهمسان است: حکومت (انبیاء/۲۱/۷۴)؛ (شایستگی) داوری (انبیاء/۲۱/۷۹)؛ حکمت (قصص/۲۸/۱۴)؛ نبوت (یوسف/۱۲/۲۲)؛ فرمان نبوت (و عقل کافی) (مریم/۱۹/۱۲). می توان گفت هیچ کدام از این پنج ترجمه، با دیگری مطابق و سازگار نیست.

۵۰. «اصحاب الرّس» کیان‌اند؟ مترجم گرامی در آیه فرقان/۲۵/۳۸ آورده‌اند: اصحاب الرّس [= گروهی که درختان صنوبر را می‌پرستیدند]. اما توضیح این کلمه در آیه ق/۵۰/۱۲ به گونه‌ای دیگر است: اصحاب الرّس [= گروهی که در یمامه زندگی می‌کردند و پیامبری به نام حنظله داشتند].

۱. نگاه کنید به «سخنی پیرامون این ترجمه» از آیت الله ناصر مکارم شیرازی. این نوشتار در انتهای ترجمه ایشان آمده است. همچنین در مجله «بینات»، سال اول، ش ۱، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۴۱.
۲. به یک نمونه اشاره می‌کنیم: آقای بهاء الدین خرمشاهی در آخرین نقدی که بر ترجمه آقای عبدالمحمد آیتی نوشته‌اند در آیه «وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ (کهف/۱۸/۴۳) تذکر داده‌اند که نباید «مِنْ دُونِ اللَّهِ» را در این آیه، «جُزْ خُدا» یا «غیر از خُدا» ترجمه کرد. معادل پیشنهادی ایشان، «در برابر خُدا» است. ترجمه آیه چنین می‌شود: «گروهی نداشت که در برابر خُدا به یاریش برخیزند» (قرآن پژوهی، ص ۳۶۷). این اصلاح مورد قبول ویراستاران ترجمه آیت الله مکارم شیرازی افتاده است و ایشان ترجمه این آیه را این‌گونه تغییر داده‌اند: «وگروهی نداشت که او را در برابر (عذاب) خداوند یاری دهند». اما در ترجمه آیه «وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ (شوری/۴۲/۴۶) چنین اصلاحی نکرده‌اند و گفته‌اند: «آنها جز خُدا اولیاء و یاورانی ندارند که یاریشان کنند». همچنین ترجمه آیه اتَّخَذُوا أَحِبَارَهُمْ وَرُهَيْبًا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (توبه/۳۱/۹) را چنین اصلاح کرده‌اند: «آنها دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خُدا قرار دادند». اما آیه «وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (آل عمران/۶۴/۳) را اصلاح نکرده‌اند.
۳. «سخنی پیرامون این ترجمه» نوشته ناصر مکارم شیرازی. نیز نگاه کنید به مجله «بینات»، سال اول، ش ۱، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.
۴. مجله «بینات»، سال اول، ش ۱، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۴۲. نیز نگاه کنید به «سخنی پیرامون این ترجمه».
۵. آیات بسیاری این نکته را می‌فهماند. در مورد کلمه «اللّه» نگاه کنید به آیات عنکبوت/۲۹/۶۱؛ زمر/۳۹/۳۸؛ زخرف/۴۳/۸۷؛ مؤمنون/۲۳/۸۵ و ۸۷ و ۸۹؛ لقمان/۲۱/۲۵ و مانند آن. در مورد کلمه «الرّحمن» نگاه کنید به آیات مریم/۱۹/۸۸ و ۹۱ و ۹۲؛ انبیاء/۲۱/۲۶ و ۴۲؛ یس/۳۶/۱۵؛ زخرف/۴۳/۱۷ و ۱۹ و ۲۰ و ۸۱ و آیاتی دیگر.
۶. این عقیده که مراد قرآن از «صابئین»، ستاره پرستان است، ناشی از یک اشتباه تاریخی و یکی دانستن صابئان و ستاره پرستان حرّان با صابئان اهل کتاب و پیروان حضرت یحیی است. در این باره نگاه کنید به مقالات زیر: الف - «صابئین اهل کتابند»، محمد محیط طباطبایی، یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، ج ۲، صص ۴۸ - ۶۰. سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. ب - «صابئین موحدین از یاد رفته»، سید قاسم یا حسینی، کیهان فرهنگی، سال ششم، شماره ۷، مهر ماه ۱۳۶۸. ج - توضیحات آقای بهاء الدین خرمشاهی در ترجمه قرآن کریم به قلم ایشان، ص ۳۲۴، ذیل آیه حج/۲۲/۱۷.